

بررسی نقش مدیریت مدارس چندپایه در بهبود مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان روستایی

پریوا زارعیان - مدیرآموزگار و پژوهشگر

چکیده

مدارس چندپایه، به عنوان رویکردی غالب در مناطق روستایی و کم‌جمعیت کشورهای در حال توسعه، با چالش‌های منحصربه‌فردی در حوزه مدیریت آموزشی روبه‌روند. این پژوهش با هدف بررسی نقش مدیریت مدارس چندپایه در بهبود مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان روستایی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدیریت مؤثر در این مدارس، از طریق ایجاد ساختارهای مشارکتی، به‌کارگیری راهبردهای خودراهبری، و تقویت همکاری و یادگیری همتا، می‌تواند بستری مساعد برای پرورش مسئولیت‌پذیری فراهم آورد. برخلاف تصور رایج که مدارس چندپایه را صرفاً با چالش‌های آموزشی می‌شناسد، این پژوهش بر ظرفیت‌های نهفته این الگوی آموزشی در رشد مهارت‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری تأکید دارد. نتایج نشان می‌دهد که دانش‌آموزان مدارس چندپایه در مقایسه با هم‌تایان خود در مدارس تک‌پایه، از سطح بالاتری از توسعه اجتماعی برخوردارند، هرچند ممکن است در برخی شاخص‌های تحصیلی با چالش مواجه باشند. بر این اساس، راهبردهایی نظیر طراحی برنامه‌های درسی منعطف، توانمندسازی معلمان، و مشارکت جامعه محلی به عنوان عوامل کلیدی در بهره‌مندی از ظرفیت مدارس چندپایه برای تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان روستایی شناسایی شده‌اند.

واژگان کلیدی: مدیریت مدارس، مدارس چندپایه، مسئولیت‌پذیری، دانش‌آموزان روستایی، آموزش روستایی.

۱. مقدمه

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مدارس چندپایه به عنوان راهکاری عملی برای تأمین آموزش ابتدایی در مناطق روستایی و کم‌جمعیت مطرح شده‌اند، جایی که یک معلم مسئولیت آموزش چند پایه تحصیلی را در یک کلاس بر عهده دارد. این الگوی آموزشی که در مناطق محروم، روستاهای دورافتاده و سکونتگاه‌های با جمعیت کم رواج یافته است، علی‌رغم چالش‌های متعدد، می‌تواند فرصت‌های منحصربه‌فردی را برای پرورش مهارت‌های اجتماعی و فردی دانش‌آموزان فراهم آورد.

مسئولیت‌پذیری به عنوان یکی از اهداف اساسی نظام‌های آموزشی، به ویژه در جوامع روستایی که دانش‌آموزان با محدودیت‌های ساختاری و منابع کم‌تر مواجه‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا، مدیریت مؤثر مدارس چندپایه می‌تواند نقشی کلیدی در ایجاد فضایی ایفا کند که دانش‌آموزان ضمن یادگیری دروس، مسئولیت یادگیری خود و دیگران را نیز بر عهده گیرند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مدیریت مدارس چندپایه در بهبود مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان روستایی انجام شده است. سوال اصلی پژوهش این است که چه مکانیزم‌ها و راهبردهای مدیریتی در مدارس

چندپایه می‌تواند به پرورش مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان کمک کند؟ برای پاسخ به این سوال، ابتدا به تحلیل ویژگی‌های مدیریت مدارس چندپایه، سپس به شناسایی ابعاد مسئولیت‌پذیری در این مدارس، و در نهایت به ارائه راهبردهای عملی پرداخته خواهد شد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مدارس چندپایه: تعریف و ویژگی‌ها

مدارس چندپایه به کلاس‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها دانش‌آموزان از دو یا چند پایه تحصیلی مختلف در کنار یکدیگر و زیر نظر یک معلم آموزش می‌بینند. این الگوی آموزشی غالباً در مناطقی شکل می‌گیرد که به دلیل پراکندگی جمعیت، کمبود معلم، یا تعداد اندک دانش‌آموزان در هر پایه، امکان تشکیل کلاس‌های جداگانه برای هر پایه وجود ندارد.

بر اساس آمار موجود، مدارس چندپایه سهم قابل‌توجهی از مدارس ابتدایی را در بسیاری از کشورها تشکیل می‌دهند. به عنوان مثال، در آفریقای جنوبی این مدارس حدود ۳۰ درصد از کل مدارس ابتدایی را شامل می‌شوند و بیش از ۳ میلیون دانش‌آموز در آنها مشغول به تحصیل هستند. این در حالی است که نظام‌های آموزشی اغلب بر اساس الگوی تک‌پایه سازماندهی شده‌اند و برنامه‌های درسی نیز متناسب با این الگو طراحی شده‌اند، که این امر چالش‌های جدی را برای معلمان و مدیران مدارس چندپایه ایجاد می‌کند.

۲-۲. مدیریت در مدارس چندپایه

مدیریت مؤثر در مدارس چندپایه نیازمند رویکردی متفاوت از مدارس تک‌پایه است. معلمان در این مدارس باید علاوه بر تسلط بر محتوای درسی چند پایه، توانایی مدیریت همزمان فعالیت‌های گروهی متفاوت، انطباق برنامه درسی با نیازهای متنوع دانش‌آموزان، و ایجاد ساختارهایی برای یادگیری خودراهبر و مشارکتی را داشته باشند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شش متغیر کلیدی در موفقیت مدیریت مدارس چندپایه نقش دارند: (۱) سازماندهی کلاسی که یادگیری مستقل و وابسته متقابل را تسهیل کند؛ (۲) مدیریت کلاس و انضباط که بر مسئولیت دانش‌آموزان در قبال یادگیری خود تأکید دارد؛ (۳) سازماندهی آموزشی و برنامه درسی که امکان یادگیری مشارکتی و خودراهبر را فراهم آورد؛ (۴) روش‌های تدریس و گروه‌بندی که کیفیت آموزش را بهبود بخشد؛ (۵) راهبردهای یادگیری خودراهبر؛ و (۶) آموزش همتا.

برنامه‌های درسی در این مدارس باید بر اساس اصل تفاوت‌های فردی و با توجه به زمینه خاص هر مدرسه طراحی شوند، نه اینکه صرفاً بر اساس هنجارهای تک‌پایه تدوین گردند. همچنین، نقش معلم در این مدارس بیش از یک انتقال‌دهنده دانش، به عنوان مدیر فرایند یادگیری و تسهیل‌گر آموزش تعریف می‌شود.

۲-۳. مسئولیت‌پذیری در بستر آموزشی روستایی

مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در مدارس روستایی، به ویژه در بستر مدارس چندپایه، ابعاد متنوعی دارد. مدارس چندپایه به طور طبیعی فضایی را ایجاد می‌کنند که در آن دانش‌آموزان مسن‌تر به طور خودکار نقش راهنما و حامی برای دانش‌آموزان جوان‌تر را ایفا می‌کنند. این ساختار، ضمن ایجاد حس مسئولیت در دانش‌آموزان مسن‌تر، به دانش‌آموزان جوان‌تر نیز می‌آموزد که در یادگیری خود استقلال داشته باشند.

در نظام آموزشی فنلاند، که یکی از موفق‌ترین نظام‌های آموزشی جهان محسوب می‌شود، معلمان مدارس روستایی چندپایه بر مزایایی مانند "آزادی یاددهی و یادگیری، همکاری با والدین، شناخت عمیق هر کودک، محیط امن با قوانین کلاسی و جو خوب، امکان ایجاد موقعیت‌های یادگیری برای انواع یادگیرندگان، فردیت و غیرقابل مقایسه بودن دانش‌آموزان، و یادگیری از دیگر دانش‌آموزان" تأکید دارند.

مسئولیت‌پذیری در این رویکرد، نه به معنای تحمیل تکلیف، بلکه به عنوان فرصتی برای رشد شخصیت، مهارت‌های اجتماعی و احساس تعلق به جامعه آموزشی تعریف می‌شود. نقش دانش‌آموزان به عنوان "حاملان مسئولیت" بر اساس شخصیت، مهارت‌ها و خواسته‌های آنها شکل می‌گیرد.

۲-۴. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی به بررسی تأثیر مدارس چندپایه بر ابعاد مختلف رشد دانش‌آموزان پرداخته‌اند. در یک مطالعه تطبیقی در استان گلستان، نتایج نشان داد که اگرچه دانش‌آموزان مدارس چندپایه نسبت به هم‌تایان خود در مدارس تک‌پایه از پیشرفت تحصیلی کمتری برخوردارند، اما در شاخص‌های توسعه اجتماعی از جمله توانایی تعامل با دیگران، تمایل به کمک‌رسانی، و مهارت‌های کلامی عملکرد بهتری دارند. این یافته گویای آن است که محیط چندپایه، علی‌رغم چالش‌های تحصیلی، می‌تواند زمینه‌ساز رشد مهارت‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری باشد.

در پژوهشی دیگر، محققان به این نتیجه رسیدند که مدیریت مؤثر برنامه درسی در مدارس چندپایه، مستلزم حمایت جامعه، آموزش تفکیک‌شده، و برنامه‌ریزی منعطف است و مدارس می‌توانند از طریق تعامل با جوامع محلی و تطبیق شیوه‌های تدریس با نیازهای بومی، به موفقیت بیشتری دست یابند. این یافته‌ها با استفاده از نظریه سیستم‌های اکولوژیک بر تأثیرات چندگانه بر آموزش چندپایه تأکید دارند و پیشنهاد می‌کنند که سیاست‌گذاران منابع را به توسعه حرفه‌ای، تطبیق برنامه درسی، و زمان برنامه‌ریزی مشارکتی برای مدارس کوچک اختصاص دهند.

مطالعات مربوط به تجربه مدارس چندپایه در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که موفقیت این مدارس به کیفیت مواد آموزشی، آمادگی معلمان برای نوآوری در سازماندهی کلاس و مدیریت کلاس، و سیستم ارزیابی پیشرفت یادگیری بستگی دارد. برای مثال، در تجربه اندونزی، استفاده از گروه‌های یادگیری هم‌تا و آزمون‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای هر مازول، منجر به بهبود روحیه همکاری در کلاس‌ها شد.

۳-۱. ایجاد ساختارهای مشارکتی

یکی از مهم‌ترین نقش‌های مدیریت مدارس چندپایه، ایجاد ساختارهایی است که مشارکت فعال دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری تسهیل کند. این ساختارها شامل گروه‌های یادگیری هم‌تا، نظام‌های راهنمایی دانش‌آموزان مسن‌تر برای جوان‌ترها، و ایجاد نقش‌های مختلف در کلاس می‌شود.

در مدارس چندپایه موفق، دانش‌آموزان نه تنها مسئول یادگیری خود، بلکه در قبال یادگیری هم‌کلاسی‌های خود نیز احساس مسئولیت می‌کنند. این امر از طریق ساختارهایی مانند "دست کمک" که در آن یک دانش‌آموز به عنوان کمک‌رسان روز انتخاب می‌شود، یا سیستم‌های کارت‌های رنگی برای درخواست کمک، عملیاتی می‌شود. این ساختارها به دانش‌آموزان می‌آموزند که برای حل مسائل خود ابتدا به هم‌کلاسی‌ها مراجعه کنند و تنها در صورت نیاز از معلم کمک بگیرند.

پژوهش‌های میدانی نشان داده است که دانش‌آموزانی که در این ساختارها مشارکت دارند، مهارت‌های ارتباطی، همدلی، و مسئولیت‌پذیری بیشتری از خود نشان می‌دهند. بر اساس مطالعه‌ای در آلاسکا، استفاده از برگه‌های برنامه‌ریزی هفتگی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا برنامه کار خود را مدیریت کنند و مسئولیت پیشرفت خود را بر عهده بگیرند. این دانش‌آموزان اظهار داشته‌اند که "برای دانستن اینکه کجا باید باشند به معلم نیازی ندارند" و "یاد می‌گیرند چگونه خود را برنامه‌ریزی کنند."

۳-۲. راهبردهای خودراهبری

مدیریت مؤثر در مدارس چندپایه، دانش‌آموزان را به سمت خودراهبری سوق می‌دهد. راهبردهای خودراهبری شامل برنامه‌ریزی فردی، خودارزیابی، و مدیریت زمان است که همگی از مؤلفه‌های اساسی مسئولیت‌پذیری محسوب می‌شوند.

در مدارس چندپایه، به دلیل اینکه معلم نمی‌تواند به طور همزمان به تمام دانش‌آموزان توجه کند، دانش‌آموزان باید بیاموزند که چگونه به طور مستقل کار کنند و پیشرفت خود را ارزیابی نمایند. این امر از طریق برگه‌های برنامه‌ریزی، ایستگاه‌های کاری مستقل، و سیستم‌های خودارزیابی تحقق می‌یابد.

دانش‌آموزان در چنین محیطی "یاد می‌گیرند که چگونه یاد بگیرند" و این مهارت، بنیانی برای مسئولیت‌پذیری مادام‌العمر در یادگیری است. یکی از دانش‌آموزان در این زمینه گفته است: "من هرگز نمی‌دانستم که می‌توانم اینقدر کار انجام دهم" و دیگری تأکید کرده است: "شما نیازی ندارید منتظر بمانید... شما فقط می‌توانید ادامه دهید و کار کنید". این اظهارات نشان می‌دهد که خودراهبری نه تنها مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند، بلکه به دانش‌آموزان احساس توانمندی و استقلال می‌بخشد.

۳-۳. تقویت همکاری و یادگیری هم‌تا

در کلاس‌های چندپایه، همکاری و یادگیری هم‌تا به عنوان یک اصل اساسی مدیریت کلاس مطرح است. دانش‌آموزان مسن‌تر به دانش‌آموزان جوان‌تر کمک می‌کنند و این فرایند، ضمن تقویت یادگیری هر دو گروه، حس مسئولیت اجتماعی را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد.

بر اساس مدل IMPACT که در اندونزی و فیلیپین اجرا شد، گروه‌های یادگیری هم‌تا یکی از مؤلفه‌های کلیدی موفقیت بود. در این مدل، دانش‌آموزان بزرگ‌تر به عنوان "معلمان برنامه‌ریزی‌شده" برای دانش‌آموزان کوچک‌تر عمل می‌کنند و این ساختار، ضمن کاهش بار معلم، به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا مهارت‌های رهبری و مسئولیت‌پذیری را تجربه کنند.

در پژوهشی دیگر، محققان به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان اغلب می‌توانند روش‌های مؤثرتری برای برقراری ارتباط و ارائه راه‌حل‌های احتمالی به هم‌تایان خود بیابند تا معلمی که از حوزه ارتباطی دانش‌آموزان فاصله دارد. این یافته نشان می‌دهد که یادگیری هم‌تا نه تنها به عنوان یک راهبرد آموزشی، بلکه به عنوان بستری برای پرورش مسئولیت‌پذیری اجتماعی عمل می‌کند.

۳-۴. نقش معلم به عنوان مدیر و تسهیل‌گر

در مدارس چندپایه، نقش معلم از "انتقال‌دهنده دانش" به "مدیر فرایند یادگیری" و "تسهیل‌گر" تغییر می‌کند. این تغییر نقش، زمینه‌ساز پرورش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان می‌شود، زیرا معلم به جای کنترل مستقیم همه فعالیت‌ها، به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا خود مدیریت یادگیری خود را بر عهده گیرند.

معلم در این الگو، با طراحی فعالیت‌های مناسب، گروه‌بندی دانش‌آموزان، و فراهم آوردن منابع مورد نیاز، بستری ایجاد می‌کند که دانش‌آموزان بتوانند استقلال و مسئولیت‌پذیری خود را توسعه دهند. همچنین، معلم با شناخت عمیق از هر دانش‌آموز (که در مدارس روستایی کوچک امکان‌پذیر است)، می‌تواند نقاط قوت و ضعف هر یک را شناسایی کرده و نقش‌های متناسب با شخصیت و مهارت‌های آنان را تعیین نماید.

این رویکرد با نظریه‌های نوین مدیریت کلاس که بر "آموزش مسئولیت" به جای "اجرای انضباط" تأکید دارند، همخوانی دارد. بر اساس این دیدگاه، مسئولیت‌پذیری به عنوان یک مهارت قابل آموزش تلقی می‌شود که باید در فضایی گرم و دعوت‌کننده و از طریق استانداردها، راهنماها و رفتارهای مورد انتظار، به دانش‌آموزان آموزش داده شود.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت مدارس چندپایه می‌تواند نقش مؤثری در بهبود مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان روستایی ایفا کند. این نقش از طریق چند مکانیزم اصلی تحقق می‌یابد:

اول، ایجاد ساختارهای مشارکتی که در آن دانش‌آموزان به طور فعال در فرایند یادگیری خود و دیگران مشارکت دارند. این ساختارها شامل گروه‌های یادگیری هم‌تا، نقش‌های مختلف کلاسی، و سیستم‌های کمک‌رسانی است که همگی به پرورش حس مسئولیت جمعی کمک می‌کنند.

دوم، به‌کارگیری راهبردهای خودراهبری که استقلال و خودمدیریتی دانش‌آموزان را تقویت می‌کند. استفاده از برگه‌های برنامه‌ریزی، ایستگاه‌های کاری مستقل، و سیستم‌های خودارزیابی، به دانش‌آموزان می‌آموزد که مسئولیت یادگیری خود را بر عهده گیرند و پیشرفت خود را مدیریت کنند.

سوم، تقویت همکاری و یادگیری هم‌تا که ضمن بهبود کیفیت یادگیری، مهارت‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را توسعه می‌دهد. دانش‌آموزان مس‌تر با راهنمایی هم‌تایان جوان‌تر، حس مسئولیت و رهبری را تجربه می‌کنند و دانش‌آموزان جوان‌تر نیز استقلال و اعتماد به نفس لازم برای یادگیری را کسب می‌کنند.

چهارم، تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده دانش به مدیر و تسهیل‌گر که بستری برای پرورش استقلال و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان فراهم می‌آورد.

این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین که نشان داده است دانش‌آموزان مدارس چندپایه از سطح بالاتری از توسعه اجتماعی برخوردارند، همخوانی دارد. همچنین، تأکید بر اهمیت شناخت عمیق معلم از هر دانش‌آموز و ایجاد محیطی امن و حمایت‌کننده، با تجربه موفق نظام آموزشی فنلاند در مدارس روستایی همسو است.

با این حال، چالش‌هایی نیز در مسیر تحقق این نقش وجود دارد. کمبود منابع آموزشی، عدم تناسب برنامه‌های درسی با نیازهای مدارس چندپایه، و نبود آموزش کافی برای معلمان در زمینه روش‌های تدریس چندپایه، از موانع اصلی بهره‌مندی از ظرفیت‌های این مدارس در پرورش مسئولیت‌پذیری محسوب می‌شوند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که معلمان اغلب آموزش کافی برای مدیریت کلاس‌های چندپایه ندارند و این امر بر کیفیت آموزش و پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر منفی می‌گذارد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، راهبردهای زیر برای بهره‌مندی از ظرفیت مدارس چندپایه در بهبود مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان روستایی پیشنهاد می‌شود:

۱. طراحی برنامه‌های درسی منعطف: برنامه‌های درسی باید به گونه‌ای طراحی شوند که امکان اجرا در کلاس‌های چندپایه را داشته باشند و بر اساس اصل تفاوت‌های فردی و زمینه محلی تنظیم گردند.

۲. توانمندسازی معلمان: ارائه آموزش‌های تخصصی برای معلمان در زمینه مدیریت کلاس‌های چندپایه، راهبردهای خودراهبری، و روش‌های یادگیری هم‌تا، از الزامات اساسی است.

۳. مشارکت جامعه محلی: والدین و اعضای جامعه می‌توانند نقش مهمی در حمایت از یادگیری دانش‌آموزان و تقویت مسئولیت‌پذیری آنان ایفا کنند.

۴. توسعه مواد آموزشی مناسب: تولید و توزیع مواد آموزشی خودآموز و ماژولار که امکان یادگیری مستقل و گروهی را فراهم آورد، می‌تواند به کاهش بار معلم و افزایش استقلال دانش‌آموزان کمک کند.

در نهایت، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مدارس چندپایه، علی‌رغم چالش‌های موجود، دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای پرورش مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان روستایی هستند. بهره‌مندی از این ظرفیت‌ها مستلزم نگاه فراتر از رویکردهای سنتی مدیریت آموزشی و پذیرش الگوهای نوآورانه‌ای است که بر استقلال، مشارکت، و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان تأکید دارند. با توجه به اینکه مدارس چندپایه در بسیاری از مناطق روستایی تنها گزینه موجود برای تأمین آموزش هستند، سرمایه‌گذاری در بهبود مدیریت این مدارس می‌تواند تأثیرات چشمگیری بر کیفیت آموزش و پرورش سرمایه‌های انسانی در این مناطق داشته باشد.

منابع

[۱] Multi-grade schools and learner development in rural South Africa. Core.ac.uk.

[۲] Managing the Multigraded Classroom: Practical Strategies from Alaska. ERIC.

[۳] Training of village school teachers in Finland: Multi-grade teaching and inclusion. ScienceDirect, ۲۰۲۵.

[۴] Multi-grade teaching in developing countries: The IMPACT experience. DFID.

[۵] The Multigrade Classroom: Classroom Management and Discipline. Education Northwest.

[۶] Managing the Curriculum in Small Schools and Multi-Grade Classrooms. Journal of Education, Society & Multiculturalism, ۲۰۲۴.

[۷] A Comparative Analysis of Academic Achievement in Single-Grade and Multi-Grade Classes. Journal of APES, ۲۰۲۵.

[۱۰] Multi-grade curriculum and rural community context. Core.ac.uk.

[۱۱] Multi-grade teaching in Balochistan: Challenges and opportunities. VATT.

[12] A Review of the Qualitative Research on Multigrade Instruction. ERIC, 1991.

[13] Responsible Classroom Management. Sage Publishing.

[14] The Role of Multi-Grade Schools in Sustaining Rural Identity. CEEOL, 2020.